

جهانی شدن و تاثیر آن بر تجارت خارجی ایران

محمد رضایی پور*^۱، مجید آقایی خوندایی^۲، ابوالفضل نجارزاده نوش آبادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۳/۲۲

چکیده

جهانی شدن، جهان گستری و جهانی سازی مفاهیمی هستند که با بار معانی مختلف برای توضیح و تبیین تحولات جهان معاصر به خصوص طی چند دهه‌ی گذشته به کار گرفته می‌شوند. یکی از این تحولات، در حوزه‌ی تجارت خارجی کشورها می‌باشد. بنابر اهمیت موضوع در این مقاله میزان تأثیرپذیری بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از ادغام کشورها در یک نظام بین‌المللی مورد آزمون قرار گرفته است. روش مورد استفاده برای برآورد توابع تقاضای صادرات و عرضه‌ی واردات ایران تکنیک گشتاورهای تعمیم یافته و دوره‌ی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۸ است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در صورت پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، واردات هر سه بخش صنعت، خدمات و کشاورزی افزایش می‌یابد. بیشترین واردات مربوط به بخش صنعت و کمترین واردات را بخش کشاورزی به خود اختصاص می‌دهد. از نظر صادرات نیز اقتصاد کشور، وضعیت مطلوبی نخواهد داشت. این موضوع نشان‌دهنده‌ی آن است که بخش‌های مختلف اقتصاد توان رقابت با کالاهای کشورهای دیگر را نخواهند داشت. تنها بخش کشاورزی تا حدودی از توانایی‌های لازم برای ورود به بازارهای جهانی برخوردار است. در نتیجه می‌توان گفت کشور ما در این بخش دارای مزیت است و دولت می‌تواند با اعمال سیاست‌های مناسب به تقویت این بخش کمک کند.

طبقه‌بندی *JEL*: F01, Q17

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، واردات و صادرات.

۱- عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد و پژوهشگر پژوهشکده آمار.

۳- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه مفید.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله: mrezaeepoor59@gmail.com

پیشگفتار

در ۵۰ سال گذشته سطح تولیدات صنعتی جهان ۵ برابر شده است، درحالی که میزان تجارت بین‌المللی تولیدات صنعتی متجاوز از ۱۵ برابر شده است (جلالی، ۱۳۸۴). مقایسه‌ی نرخ‌های رشد تولید ناخالص جهانی، صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان نشان می‌دهد که طی نیم قرن گذشته، رشد صادرات سریع‌تر از رشد تولید جهانی و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به مراتب سریع‌تر از رشد تجارت خارجی بوده است. رشد سریع‌تر تجارت بین‌المللی نسبت به تولید ناخالص جهان، مبین تشدید ادغام اقتصاد جهانی است. رشد سریع‌تر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به تجارت خارجی نیز نشان می‌دهد که مکانیزم ادغام اقتصادی از تجارت به پروسه‌ی تولید و سرمایه‌گذاری منتقل شده است. عموماً کشورهای در حال توسعه بخشی از درآمد خود را صرف حمایت و پرداخت یارانه برای کالاهای صادراتی می‌کنند که این خود موجب کم‌رنگ شدن قیمت‌های واقعی و نسبی و همچنین وجود رقابت مصنوعی در ارتباط با کالاهای صادراتی می‌شود. همراه با جهانی شدن جریان حمایت از صادرات منتفی می‌شود. در این صورت کالاهایی در بخش صادرات باقی می‌مانند که در تولید دارای مزیت نسبی باشند. در زمینه‌ی سیاست‌های تعرفه‌ای و ایجاد موانع در راه واردات، بحث جهانی شدن نیز به‌عنوان یک مساله‌ی اساسی مطرح است. جهانی شدن نقش تعرفه‌ها تجاری را کم‌رنگ می‌کند و در نتیجه سهم کالاهای وارداتی را در کشورها افزایش می‌دهد.

با عنایت به این مهم که ایران در سال‌های اخیر مصرانه پیگیر پیوستن به سازمان تجارت جهانی است و طبیعتاً پس از پیوستن به این سازمان و عملیاتی کردن مقررات مربوطه، شاهد تحولاتی در بدنه‌ی اقتصادی کشور خواهیم بود. لذا در مقاله‌ی حاضر با وارد نمودن شاخص‌های جهانی شدن در توابع عرضه صادرات و تقاضای واردات تأثیر این شاخص‌ها را بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران بررسی می‌کنیم.

جهانی شدن واژه‌ای رایج از دهه‌ی ۱۹۹۰ است که شامل روندی از دگرگونی است که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر رفته و علم، فرهنگ و شیوه‌ی زندگی را نیز در بر می‌گیرد. جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی و قابل تسری به جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری و نیز عرصه‌های دیگری همچون محیط زیست است. هیچ اتفاق نظری بین دانشمندان در مورد تعریف دقیق جهانی شدن و تأثیر آن بر زندگی و رفتار ما وجود ندارد. برخی از دانشمندان کوشیده‌اند تا جهانی شدن را به‌عنوان مفهومی اقتصادی تعریف کنند؛ در حالی که جمعی دیگر به تبیین این مفهوم در چارچوب کل تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی اخیر پرداخته‌اند (قربانی، ۱۳۸۶).

اندازه‌گیری جهانی شدن اقتصاد هنوز در مرحله‌ی مقدماتی می‌باشد. از این رو نقطه نظرات متفاوتی در این ارتباط وجود دارد و متغیرهای متفاوتی به‌عنوان شاخص جهانی شدن مطرح گردیده است. در سال‌های اخیر تحقیقاتی درباره اثرات جهانی شدن بر مصرف عمومی شکل گرفته است. در این مطالعات، اختلاف زیادی در معرفی متغیرهای جهانی شدن مشاهده می‌گردد و شاخص واحدی برای اندازه‌گیری جهانی شدن ارائه نشده است. یکی از مطالعاتی که در آن تعریف مناسبی از جهانی شدن ارائه شده است، مطالعه‌ی مخی‌جا، کیم و ویلیامسون می‌باشد. در این مطالعه که برای صنایع شیمیایی صورت گرفته است، از دو معیار سطح تجارت بین‌الملل (LIT)^۱ و ادغام تجارت بین‌الملل (IIT)^۲ به‌عنوان شاخص‌های جهانی شدن استفاده شده است. این دو معیار به‌گونه‌ای که اشاره خواهد شد، دارای برتری‌های زیادی نسبت به سایر معیارها می‌باشند (کلباسی و همکاران، ۱۳۸۱).

مطالعات انجام شده در زمینه‌ی تاثیر جهانی شدن و آزادسازی تجاری بر تجارت خارجی به نتایج متفاوتی در این زمینه رسیده‌اند. در زمینه‌ی صادرات، نتایج برخی از مطالعات نشان‌دهنده‌ی این است که کشورهایی که برنامه‌های آزادسازی تجاری را آغاز کرده‌اند و به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده‌اند، موفق به تقویت بخش صادرات شده‌اند (توماس و همکاران، ویس، جوشی و لیتل، هلینر و احمد). برخی از مطالعات نیز به شواهدی در مورد ارتباط بین جهانی شدن و رشد صادرات رسیده‌اند (آنکتاد، آقیون، گرینوی و ساپسفورد، جنکینز). در زمینه‌ی واردات نیز بسیاری از مطالعات به تاثیر قوی جهانی شدن و آزادسازی تجاری بر رشد واردات رسیده‌اند (ملو و وگت، ماه، برتولا و فاینی و پائولینو و تیروال).

پائولینو و تیروال (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ای به بررسی تاثیرات جهانی شدن و آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات در ۲۲ کشور در حال توسعه طی دوره‌ی زمانی ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۷، با استفاده از الگوی پانل دیتا پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه آزادسازی تجاری و جهانی شدن باعث تحریک صادرات در کشورهای در حال توسعه می‌شود، لیکن واردات را بیشتر افزایش می‌دهد.

پائولو (۲۰۰۲)، در مطالعه‌ای با استفاده از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) و با تکیه بر مدل‌های پانل پویا به بررسی تاثیر جهانی شدن و آزادسازی تجاری بر صادرات در کشورهای در حال توسعه‌ی منتخب پرداخته است. یافته‌های این مطالعه حاکی از این است که جهانی شدن و آزادسازی تجاری تاثیرات تعیین‌کننده‌ای بر صادرات کشورهای در حال توسعه دارند؛ اما این تاثیرات در کشورهای مختلف متفاوت است. نتایج همچنین نشان داده که قوانین صادرات تاثیر

¹ Level of International Trade

² Integration of International Trade

بازدارنده‌ای بر رشد صادرات داشته، در حالی که نوسانات قیمت‌های نسبی و نیز رشد درآمد تاثیر مثبت بر میزان صادرات دارند.

سید نعمت‌الله موسوی و صدرا لاشرافی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای در مورد ایران، به بررسی تاثیر جهانی شدن بر وادرات گندم پرداختند. بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، اثر افزایش همگرایی اقتصاد ایران به سوی اقتصاد جهانی، بر عرضه، تقاضا و واردات گندم چندان قابل ملاحظه نمی‌باشد. تنها در مورد سطح زیر کشت گندم اثر جهانی شدن مثبت و از لحاظ آماری نیز معنی‌دار است. نتایج به دست آمده از تابع تقاضای واردات نیز نشان می‌دهد که جمعیت و تولید داخلی از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار بر واردات ایران هستند.

حسن کلباسی و سید عبدالمجید جلایی (۱۳۸۱) با استفاده از مدل‌های اقتصاد سنجی، مدل‌های تقاضای واردات و عرضه صادرات را برای ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۳۸-۱۳۷۹ به تفکیک گروه کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی تخمین زده‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، در گروه کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای دو بخش کشاورزی و ساختمان توانایی‌های لازم برای ورود به بازارهای جهانی را دارند. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که بخش کالاهای مصرفی بیشترین زیان را از پدیده جهانی شدن متحمل خواهد شد.

مواد و روش‌ها

تابع تقاضای واردات مانند هر تابع تقاضای دیگری به قدرت خرید و قیمت وابسته است. از طرف دیگر، تابع عرضه صادرات نیز به قیمت‌های نسبی وابسته است. توابع تقاضای واردات و عرضه صادرات به صورت زیر در نظر گرفته شده‌اند:

$$\text{LOGMa} = b_0 + b_1 \text{LOGE} + b_2 \text{LOGYa} + b_3 \text{LOGRO} + b_4 \text{LOGCOU} + b_5 \text{LOGMa}_{t-1} + b_6 \text{LOGLITa} + \varepsilon$$

$$\text{LOGMi} = c_0 + c_1 \text{LOGE} + c_2 \text{LOGYi} + c_3 \text{LOGRO} + c_4 \text{LOGCOU} + c_5 \text{LOGMi}_{t-1} + c_6 \text{LOGLITi} + \varepsilon$$

$$\text{LOGMs} = d_0 + d_1 \text{LOGE} + d_2 \text{LOGYs} + d_3 \text{LOGRO} + d_4 \text{LOGCOU} + d_5 \text{LOGMs}_{t-1} + d_6 \text{LOGLITs} + \varepsilon$$

در روابط بالا M مقدار واردات سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است. M_{t-1} مقدار واردات تأخیری سه بخش یاد شده است، E بیانگر نرخ رسمی ارز، COU مقدار مصرف بخش خصوصی، Y مقدار ارزش افزوده هر بخش، RO مقدار درآمدهای نفتی کشور، LIT شاخص سطح تجارت بین‌الملل هر بخش است. شاخص LIT نشان‌دهنده وسعت ارتباط بین‌الملل برای یک کشور خاص می‌باشد که به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$LIT_{it} = (X_t + M_{it}) / (P_{it} + M_{it} - X_{it})$$

در رابطه‌ی فوق X_{it} ، M_{it} و P_{it} به ترتیب بیانگر صادرات، واردات و تولید کشور i در زمان t می‌باشند. LIT کوچک نشان‌دهنده‌ی این است که آن کشور با توجه به سطح تولید خود کمتر در تجارت شرکت نموده است. در این مطالعه چون واردات و صادرات بخش‌های مختلف کشور را مورد بررسی قرار داده‌ایم. به جای P_{it} (میزان تولید) از متغیر ارزش افزوده‌ی هر بخش استفاده شده است، X_{it} و M_{it} نیز به ترتیب نشان‌دهنده‌ی صادرات و واردات سه بخش صنعت، خدمات و کشاورزی در زمان t می‌باشند. a ، i و s نیز به ترتیب نشان‌دهنده‌ی سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات می‌باشند.

با توجه به آمار جمع‌آوری شده طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۸ تابع تقاضای واردات با در نظر گرفتن شاخص سطح تجارت بین‌الملل برای ایران با استفاده از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم یافته مورد برآورد قرار می‌گیرد.

تابع عرضه صادرات برای سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات نیز به صورت زیر ارائه شده است:

$$\text{LOG}Xa = b_0 + b_1 \text{LOG}E + b_2 \text{LOG}Xa_{t-1} + b_3 \text{IIT}a + \varepsilon$$

$$\text{LOG}Xi = c_0 + c_1 \text{LOG}E + c_2 \text{LOG}Xi_{t-1} + c_3 \text{IIT}i + \varepsilon$$

$$\text{LOG}Xs = d_0 + d_1 \text{LOG}E + d_2 \text{LOG}Xs_{t-1} + d_3 \text{IIT}s + \varepsilon$$

در روابط بالا، X مقدار صادرات سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است و IIT شاخص ادغام در تجارت بین‌الملل برای هر سه بخش است که همان شاخص گروبل و لوید^۱ می‌باشد و ادغام جهانی یک بخش را اندازه‌گیری می‌نماید که به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\text{IIT}_t = 1 - \left[\frac{|m_t - x_t|}{(x_t + m_t)} \right]$$

این شاخص در حقیقت نشان‌دهنده‌ی تجارت در درون یک بخش است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاخص IIT_t بین صفر و یک است که صفر نشان‌دهنده‌ی عدم وجود تجارت درون بخش و یک بیانگر تجارت کامل درون بخشی می‌باشد. تابع عرضه صادرات نیز برای سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۸ برای سه بخش کشاورزی، خدمات و صنعت برآورد می‌شود.

در این مطالعه از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)^۲ که توسط آرانو و بوند پیشنهاد و سپس به صورت وسیع‌تر توسط بلاندل و بوند گسترش یافت، به منظور کنترل درون‌زایی^۳ و دستیابی به نتایج قابل اطمینان‌تر در تخمین مدل استفاده شده است. تخمین‌زن GMM در مطالعات تجربی اخیر مخصوصاً مطالعات اقتصاد کلان و مالی به‌طور وسیعی مورد استفاده قرار

1 Gruble - loyd Index

2 Generalized Method of Moment

3 Endogeneity

گرفته است. استفاده از این روش جهت تخمین مدل مزیت‌های فراوانی دارد. برای مثال بک، لوین و لویاز، استفاده از این تخمین‌زن را جهت برطرف کردن واریانس داده‌های سری زمانی بسیار مناسب می‌دانند، تخمین‌زن‌های GMM با محاسبه‌ی تأثیرات ویژه‌ی فردی^۱ مشاهده نشده‌ی در مدل که به صورت وارد کردن متغیر وابسته با وقفه به عنوان یک متغیر توضیحی در مدل انجام می‌شود، کنترل بهتری را برای درون‌زایی کل متغیرهای توضیحی مدل فراهم می‌کنند. در این مطالعه نیز جهت بررسی تأثیر جهانی شدن بر صادرات و واردات در ایران از تخمین‌زن GMM استفاده شده است.

یافته های تحقیق

سیاست‌های دولت در تجارت خارجی

سیاست‌های دولت ایران در بخش واردات تا سال ۲۰۰۱ به شدت متکی بر مجموعه‌ای از قوانین اداری پیچیده مانند صدور پروانه‌ی واردات، سیستم تخصیص ارز چند نرخ‌ی و... بود که موجب گسترش فساد اقتصادی و اتلاف منابع می‌گردید و عملاً به صورت سیستمی برای دادن یارانه به بخش واردات و ایجاد رانت عمل می‌کرد. طی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۰ سطح مالیات بر واردات در کشور همواره نسبتاً پایین بوده و کنترل حجم و ساختار واردات عمدتاً از طریق اعمال محدودیت‌های کمی، توسط سیستم صدور پروانه‌ی واردات و سیستم چند نرخ‌ی ارز صورت می‌گرفت. برای مثال، در سال ۲۰۰۰ مجموع مالیاتی که از طریق واردات جمع‌آوری شد، برابر ۲/۷٪ ارزش واردات کشور بود. در این سال، میانگین غیر موزون نرخ مالیات بر واردات (مشمول بر هر دو نوع مالیات بر واردات) نزدیک به ۰/۶٪ بود. طی چند سال اخیر، در پی تلاش برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، دولت در چند مرحله اقدام به اصلاح سیاست‌های وارداتی خود کرده است. برای مثال، در سال ۲۰۰۰ پوشش "لیست مثبت" واردات از ۲۹ گروه ابتدا به ۴۱ و سپس به ۷۷ گروه افزایش یافت. در فروردین ماه سال ۲۰۰۰ وزارت صنایع و معادن ۷۸۱ قلم از کالاهایی که کد آنها با ۱/۲ آغاز می‌شود را (که واردات آنها مستلزم اجازه دو وزارتخانه بازرگانی و صنایع بود) به گروه کد ۱ منتقل کرد تا واردات آنها دیگر مستلزم اجازه‌نامه‌ی وزارت صنایع نباشد. همچنین ۱۱۴ کالای دیگر را از قید گرفتن اجازه‌نامه از سایر وزارتخانه‌ها معاف کرد. در مجموع، تا آبان ماه سال ۲۰۰۰ تعداد کل کالاهایی که واردات آنها مستلزم کسب اجازه‌نامه بود، به ۲۳۱۸ قلم کاهش یافت که این روند همچنان ادامه دارد. علاوه بر این، محدودیت‌های مربوط به منبع تامین ارز واردات و گشایش اعتبارات ارزی که در بالا به آنها اشاره شد، نیز کاهش یافت. ماده ۲۹ قانون بودجه‌ی

1 Individual Specific Effects

۱۳۸۰ مجموعه‌ای از کالاهای "لیست مثبت" مانند ماشین‌آلات و قطعات یدکی را از این قید که هزینه‌ی ارزی واردات کالاهای "لیست مثبت" می‌بایست از محل درآمد ارزی صادرات غیر نفتی تامین شود معاف کرد. همچنین، وارد کنندگان دیگر مجبور نیستند برای کسب اعتبارنامه‌ی ارزی و اجازه واردات از پیش، کل بهای واردات مربوطه را به بانک مرکزی بسپارند. در نهایت در فروردین ماه ۲۰۰۲ تعداد کل کالاهایی که واردات آنها مستلزم دریافت پروانه واردات می‌باشد، به ۳۵۰ قلم کاهش داده شد. همزمان با اقدامات فوق، میزان مالیات بر واردات افزایش داده شد تا سدی که برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی وضع شده بود، در همان حد قبلی باقی بماند. در واقع، موانع غیرتعرفه‌ای واردات به موانع تعرفه‌ای تبدیل شدند. برای برخی از کالاها، افزایش تعرفه‌های حاصله بسیار قابل ملاحظه بود. برای مثال، نرخ تعرفه منسوجات، پوشاک، محصولات چرمی و وسایل نقلیه‌ی موتوری به ترتیب به ۷۴٪، ۹۳٪، ۷۵٪ و ۳۷٪ افزایش یافت. در مجموع میانگین نرخ کنونی مالیات بر واردات برای کل اقتصاد ایران نزدیک به ۳۰٪ تا ۳۵٪ برآورد می‌شود. این نرخ متجاوز از دو برابر میانگین کشورهای در حال رشد می‌باشد که اقتصاد ایران را به لحاظ شدت بسته بودن و موانع تجارت خارجی در صدر جدول، همپای پاکستان قرار می‌دهد. بنابر محاسبات بانک جهانی، کاهش حداکثر مالیات بر واردات به ۲۵٪ موجب ۰/۷٪ رشد درآمد ملی خواهد شد. با این همه، تبدیل کنترل‌های غیرتعرفه‌ای واردات به معادل‌های تعرفه‌ای، به خودی خود اقدامی صحیح است که احتمالاً موجب کاهش فساد اقتصادی و تقلیل اتلاف منابع خواهد شد. تبدیل کنترل‌های غیرتعرفه‌ای به معادل‌های تعرفه‌ای^۱ موجب افزایش درآمد دولت و افزایش تولید ناخالص ملی خواهد شد. در شرایط مطلوب، طبق محاسبات بانک جهانی این اصلاحات باید بتوانند درآمد ملی و درآمد دولت را به ترتیب ۳/۴٪ و ۱/۴٪ افزایش دهند. می‌توان این اقدامات را در پیوستن به سازمان تجارت جهانی مؤثر دانست.

از سال ۲۰۰۰ و در پی تلاش دولت برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و به‌منظور تشویق صادرات غیرنفتی تدابیر متعددی اتخاذ شده است که مهم‌ترین آنها معافیت از پرداخت تعرفه‌های وارداتی، تاسیس مناطق تجارت آزاد و مناطق ویژه‌ی اقتصادی و تاسیس بانک توسعه صادرات و صندوق ضمانت صادرات می‌باشد. دو مورد اول تدابیری هستند که برای بهبود دسترسی بخش صادرات به واردات مواد خام، ماشین‌آلات و سایر نهاده‌های تولید به‌کار می‌روند. از سوی دیگر، هدف از تاسیس موسسات مالی توسعه صادرات و بهبود دسترسی بخش صادرات به سرمایه مالی می‌باشد.

1 Tariff Equivalents

بسیاری از کشورها مانند کره شمالی، تایوان و هنگ کنگ توانسته‌اند با استفاده از مکانیزم‌های بازپرداخت و معافیت تعرفه موجبات رشد صادرات خود را فراهم آورند. اما در ایران به علت پایین بودن کارایی دستگاه اداری دولت، کاربرد هر دو مکانیزم ناموفق بوده است. طبق آمار رسمی در ایران تنها ۰.۵٪ صادرکنندگان از مکانیزم‌های معافیت و بازپرداخت تعرفه گمرکی استفاده می‌کنند. علت این امر آن است که به علت عدم کارایی دولت، هزینه‌ی استفاده از این مزایا نسبت به منافع حاصل از آن بیشتر است. از سوی دیگر، موفقیت مناطق ویژه اقتصادی و تجارت آزاد تا حدود زیادی بستگی به توانایی دولت در جلب سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی دارد. در ایران به دلیل نبود جو مناسب برای رشد بخش خصوصی و ناتوانی دولت در جلب سرمایه خارجی، تجربه‌ی دولت در هر دو زمینه ناموفق بوده و این مناطق عمدتاً به‌صورت مکانیزمی برای گریز از موانع و محدودیت‌های قوانین واردات عمل کرده‌اند.^۱

تخمین مدل تقاضای واردات و تفسیر ضرایب آن

برای بررسی ایستایی متغیرها در مطالعه‌ی حاضر از آزمون‌های ریشه واحد تعمیم یافته‌ی دیکی فولر^۲ استفاده شده است که نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، بعضی از متغیرها در سطح^۳ و بعضی از آنها با یک بار تفاضل‌گیری ایستا می‌شوند. ولی چون مدل به صورت پانل و با استفاده از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم یافته تخمین زده می‌شود، می‌توان مدل را بدون هراس از عدم ایستایی بعضی از متغیرها تخمین زد.

نتایج حاصل از تخمین مدل‌های تحقیق نیز در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج بالا بعد از انجام تمام آزمون‌های اقتصادسنجی از قبیل واریانس ناهمسانی، خودهمبستگی و ... ارائه شده است. تمام متغیرهای برآورد شده از علامت‌های سازگار با تئوری برخوردار هستند. براساس نتایج آزمون والد در هر سه رگرسیون که از توزیع^۲ با درجات آزادی معادل، تعداد متغیرهای توضیحی منهای جزء ثابت برخوردار هستند، فرضیه‌ی صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معنی‌داری ۰.۱ رد می‌شود. در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تایید می‌شود. آماره‌های آزمون سارگان^۴ نیز که از توزیع^۲ با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص^۵ برخوردار هستند، آزمون صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را

۲- برای مطالعه بیشتر به «ایران: فرصتها و چالشهای جهانی شدن، هادی زمانی» رجوع کنید

2 Augmented Dickey- Fuller Unit Root Test

3 Level

4 Sargan test

5 Over- Identifying Restrictions

رد می‌کند. در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تایید می‌شود. همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، تاثیر افزایش نرخ ارز بر واردات بخش‌های مختلف اقتصاد ایران منفی است و ضرایب به‌دست آمده از لحاظ آماری نیز در سطح بالایی معنی‌دار هستند. ارزش افزوده‌ی هر بخش نیز تاثیری مثبت و معنی‌دار بر حجم واردات دارد. در توجیه این نتیجه‌ی به‌دست آمده، می‌توان گفت چون در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از کالاهای واسطه‌ای و همچنین تکنولوژی وارداتی استفاده می‌شود، با افزایش تولیدات و در نتیجه افزایش ارزش افزوده‌ی هر بخش نیاز به واردات بیشتر می‌شود. افزایش درآمدهای نفتی و مصرف بخش خصوصی نیز تاثیری مثبت و معنی‌دار بر حجم واردات ایران طی دوره مورد بررسی داشته است.

چون هدف اصلی این تحقیق صرفاً بررسی اثرات جهانی شدن بر بخش‌های متفاوت اقتصاد ایران است، بنابر این توجه خود را عمدتاً به ضرایب این متغیر معطوف می‌کنیم. چون توابع تخمینی به‌صورت لگاریتمی هستند، ضرایب به‌دست آمده نشان‌دهنده‌ی کشش‌های هر کدام از متغیرها است. همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، با ۱٪ تغییر در شاخص جهانی شدن واردات کالاهای کشاورزی، خدمات و صنعت هر کدام به‌ترتیب ۱/۰۵۲، ۱/۹۹ و ۲/۸٪ افزایش می‌یابند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، بخش کشاورزی در دوره‌ی مورد بررسی کمتر از بخش‌های دیگر تحت تاثیر جهانی شدن قرار می‌گیرد و بخش صنعت بیشترین تاثیر را از جهانی شدن اقتصاد متحمل می‌شود. با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت از آنجا که بخش‌های اقتصادی کشور ما از استانداردهای لازم برای رقابت با کشورهای توسعه یافته برخوردار نیستند؛ لذا با جهانی شدن اقتصاد ایران واردات کالاهای کشاورزی و خدماتی و مخصوصاً صنعتی به کشور افزایش پیدا می‌کند و از آنجا که صنایع کشور از نظر رقابت با دنیای خارج ضعیف هستند، صنایع بزرگ کشور با بحران روبرو خواهند شد و پیش‌بینی می‌شود که نرخ بیکاری و واردات کالاهای مصرفی در کشور افزایش یابد.

تخمین تابع عرضه صادرات و تفسیر آن

تابع عرضه‌ی صادرات نیز به روش گشتاورهای تعمیم یافته، طی دوره مورد بررسی تخمین زده شد که نتایج آن در جدول (۳) نشان داده شده است.

با توجه به آزمون‌های انجام شده (که در بالا توضیح داده شد) اعتبار نتایج مدل جهت تفسیر تأیید گردید و تمام ضرایب از علامت‌های مورد انتظار با تئوری برخوردار هستند. همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، تاثیر نرخ ارز بر حجم صادرات بخش‌های مختلف اقتصاد ایران مثبت و بیانگر این است که با افزایش نرخ ارز حجم صادرات هر سه بخش صنعت، خدمات و کشاورزی افزایش

می‌یابد. ضرایب به‌دست آمده از لحاظ آماری نیز در سطح بالایی معنی‌دار هستند. متغیر با وقفه صادرات نیز تاثیر مثبت بر حجم صادرات طی دوره‌ی مورد بررسی داشته است. ضرایب به‌دست آمده از شاخص ادغام در تجارت بین الملل برای هر سه بخش کشاورزی، خدمات و کشاورزی در دوره‌ی مورد بررسی برای ایران کمتر از یک و نشان‌دهنده‌ی این است که با جهانی شدن اقتصاد، صادرات ایران وضعیت مطلوبی نخواهد داشت؛ زیرا با افزایش ۱٪ روند ادغام در اقتصاد جهانی صادرات هر سه بخش کشاورزی، خدمات و صنعت کمتر از ۱٪ افزایش می‌یابد. ولی در بین این سه بخش وضعیت بخش کشاورزی از سایر بخش‌ها مطلوب‌تر است و این به معنی این است که اقتصاد ایران در این بخش دارای مزیت نسبی است و با سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش می‌توان از مزایای این بخش در صورت پیوستن به سازمان تجارت جهانی استفاده کرد. بعد از این بخش خدمات دارای وضعیت بهتری برای جهانی شدن است. بیشترین ضرر در قسمت صادرات شامل بخش صنعت کشور می‌شود که می‌توان نداشتن استانداردهای بین‌المللی، سیطره‌ی بخش دولتی بر صنایع مختلف و حمایت‌های تعرفه‌ای را مهم‌ترین علت این امر دانست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باتوجه به نتایج به‌دست آمده از تخمین مدل ملاحظه می‌شود که در صورت جهانی شدن اقتصاد ایران، واردات کالاهای سه بخش کشاورزی و خدمات و صنعت افزایش می‌یابد که افزایش واردات در بخش صنعتی به مراتب بیشتر از سایر بخش‌ها است. صادرات کشور نیز با روند جهانی شدن وضعیت مطلوبی نخواهد داشت. شاید بتوان گفت که کشور ما از زیرساخت‌های لازم جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی، برخوردار نمی‌باشد. صنایع داخلی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی و حضور رقبا باید آمادگی‌های لازم را کسب کنند. با توجه به نتایج مدل، می‌توان گفت که بخش کشاورزی کمترین واردات را در صورت جهانی شدن خواهد داشت و صادرات این بخش نیز از تمام بخش‌ها بیشتر است. در نتیجه می‌توان گفت که کشور ما در این بخش دارای مزیت است و دولت می‌تواند با اعمال سیاست‌های مناسب به تقویت این بخش کمک کند. باید توجه داشت که حمایت‌های داخلی در بخش کشاورزی عمدتاً متمرکز در کشورهای توسعه یافته است و کاهش این‌گونه حمایت‌ها عموماً به زیان بخش کشاورزی کشورهای توسعه یافته و به نفع کشاورزی کشورهای در حال توسعه است. این وضعیت در مورد کشور ما هم تقریباً صادق بوده و انتظار می‌رود با حذف حمایت‌های داخلی در کشورهای جهان، وضعیت به نفع کشاورزی کشور ما تغییر یابد. بخش خدمات ایران مانند خدمات مخابرات، بیمه و بانکداری و حمل و نقل به دلیل انحصار دولتی با پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت و ورود رقبای قدرتمند خارجی بیشترین آسیب را

می‌بیند؛ زیرا این بخش در طول ۲۵ سال گذشته کاملاً در انحصار دولت بوده و از کارایی لازم برخوردار نیست.

References:

1. Arellano, M., Bond, S., 1991, some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations, *Review of Economic Studies* 58, 277–297.
2. Arellano, M., Bover, O., 1995, another look at the instrumental-variable estimation of error-components models, *Journal of Econometrics* 68, 29–52.
3. Blundell, R., Bond, S., 1998, Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models, *Journal of Econometrics* 87, 115–143
4. Cristian, m (1989) “imports under a foreign Exchange Constraint”; *The world Economic Review*; Vol 3, No2, 279-295.
5. Ghorbani,Gh.,2007,Globalization of Research and Development, 6th Conference of Industries and Mines R&D Centers,1.
6. Green, W.H. (2003), *Econometric Analysis*, New Jersey, Prentice-Hall Inc
7. Hemphill, W (1979) “The Effects of Foreign Exchange Receipts on Imports of Less Developed Countries”; I. M. F. Staff Paper, No 21, PP, 632-677.
8. Hothaker H. S and S. P. Magee (1969) “Income and Elasticity in world Trade”; *Review of Economics and Statistics*; PP, 111-125.
9. Kalbasi,H,jalali,A.,2002,The impact globalization on Iranian Foreign Trade,Quartly Iranian Economic Research, Fourth year,volume11,169-174.
10. Khan M. S (1971) “Import and Export Demand in Developing Countries”; I. M. F Staff Paper, PP, 678-693.
11. Makhija, M. V; Kim K and Williamson S. D; (1997) “Measuring globalization of Industries a National Industry Approach: Empirical Evidence across Five Countries and Over time” *Journal of International Business Studies*, Forth Quarter, PP, 676-710.
12. Mosavi, S.N. Sadroleshraghi,M,1996, The impact globalization on Iranian supply, demand and imports of wheat , *Agricultural Economics*, First year, No. 1,101-114.
13. Santos-Paulino. A. U., “Trade Liberalisation and Export Performance in Selected Developing Countrie”, *Journal of Development Studies*, Volume 39, Issue 1 October 2002 , pages 140 - 164

14. Santos-Paulino, Amelia.U and Thirlwall.A.P ,” The Impact of Trade Liberalisation on Exports, Imports and the Balance of Payments of Developing Countries”, Economic Journal, Vol. 114, pp. F50-F72, February 2004.
15. Sarmad, K (1988) “The Functional Form of The Aggregate Import Demand Equation: Evidence From Developing Countries” Vol 27, PP, 309-31.

پیوست ها:**جدول ۱- آزمون دیکی فولر پایایی متغیرهای مدل**

نام متغیر	سطح اطمینان درصد	مرتبه پایایی
COU	۹۰	I(0)
E	۹۹	I(1)
Ya	۹۹	I(1)
Ma	۹۹	I(1)
Ys	۹۰	I(1)
Yi	۹۹	I(0)
X _{t-1}	۹۹	I(1)
IITa	۹۹	I(1)
IITs	۹۹	I(1)
IITi	۹۰	I(0)
RO	۹۹	I(1)
Mi	۹۹	I(0)
Xa	۹۹	I(1)
M _{t-1}	۹۰	I(1)
LITa	۹۹	I(0)
LITi	۹۹	I(0)
LITs	۹۰	I(1)
Ms	۹۰	I(1)
Xi	۹۹	I(1)
Xs	۹۰	I(1)

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۲ - برآورد ضرایب مربوط به توابع تقاضای واردات به تفکیک بخش های مختلف

نام بخش	کشاورزی	آماره t	خدمات	آماره t	صنعت	آماره t
ضریب ثابت	۴/۲۸	۲/۲۳۴	۳/۲۳۲	۲/۰۶۵	-۱/۵۸	-۲/۰۸۹
نرخ ارز	-۰/۷۲۵	۳/۲۳۶	-۰/۸۴۳	-۲/۳۳	-۰/۹	-۳/۰۳
ارزش افزوده هر بخش	۰/۶۴۲	۲/۵۴۱	۰/۷۰۵	۲/۰۰۵	۰/۹۵۴	۴/۰۲۵
درآمد های نفتی	۱/۵۲۱	۵/۵۴	۱/۸۵۲	۳/۳۵۶	۳/۲۲	۵/۰۳۳
مصرف بخش خصوصی	۱/۰۳	۴/۹۸	۱/۶۹۵	۲/۵۲۱	۲/۰۲	۲/۰۹۶
شاخص تجارت بین الملل	۱/۰۵۲	۷/۸۵	۱/۹۹	۱۰/۲۱	۲/۸	۵/۹۳۶
واردات تأخیری	۰/۹۹	۵/۱۴	۱/۰۵۴	۳/۳۳	۱/۵۳	۴/۰۳۵
Wald test statistic	۱۳۲۵۴		۱۴۱۶۰		۲۲۴	
Sargan test statistic	۱۵۰/۱۵۲		۱۲۶/۸۲		۸۵/۹۶	

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۳ - برآورد ضرایب مربوط به توابع عرضه صادرات به تفکیک نوع بخش

نام بخش	کشاورزی	آماره t	خدمات	آماره t	صنعت	آماره t
ضریب ثابت	۹/۲۲	۲/۷۸۹	۵/۱۰	۲/۳۶۹	۱۳/۱۴	۸/۴۰۱
نرخ ارز	۱/۵۴	۲/۰۱۱	۱/۲۲	۴/۳۰۳	۰/۹۸۹	۸/۲۵۸
صادرات تأخیری	۲/۰۳	۵/۹۱۴۷	۰/۹۹	۲/۰۶۶۰	۱/۲۰۳	۲/۵۴۰
شاخص ادغام در تجارت جهانی	۰/۹۹	۳/۰۰۱	۰/۷۸۵	۳/۳۱۰	۰/۵۵	۷/۵۵
R^2	۰/۷۷		۰/۸۴		/۹۰	
Wald test statistic	۱۴۵۱۲		۱۴۶۰۱		۱۵۱۲۳	
Sargan test statistic	۲۷/۵۹		۳۶/۶۵۴		۴۱/۲۰۵۱	

منبع: محاسبات تحقیق

